

شنزن، شهر جوانی

گزارشی از وضعیت کارگران در چین

رابرت ویل

برگردان: میلاد مرادی



می شوند و یا تحت شرایط سخت کاری از بین می روند. عده ای به دنبال کار به شهرهای دیگر می روند و یا به روستاهای خود بازمی گردند. بسیاری از آنها قبل از سن ۳۰ سالگی شنزن را ترک می کنند و تعداد کمی در کارخانه ها به میانسالی می رسند.

اکثریت این مهاجران جوان از روستاهای فقیر داخل چین به شنزن می آیند. برای عده ای زرق و برق شهر از پس شرایط سخت زندگی و انزوای در روستا جذاب است. اما در عین حال مهاجرت خود نشان از دگرگونی کشاورزی دارد. به نظر کارگران جوان سطح نوین مکانیزاسیون کشاورزی از قبیل کودهای دارویی و ضدآفت ها، و ماشین آلات پردازش - کار روزانه را در مزارع آسان نموده است. پیشرفت های تکنولوژیکی کارایی را افزایش و نیاز به نیروی کار را کاهش داده اند. از سال ۲۰۰۴ که چین به سازمان تجارت جهانی پیوست، رقابت بر سر واردات مواد غذایی - به عنوان مثال، تضعیف بخش بزرگی از تولید سوپای چینی - نسل جوانتر را از مزارع به سوی شهر بیرون کشانید.

مرزهای نهایی کار و سرمایه

حتا بازدید کوتاهی از شهر در تابستان ۲۰۰۶ حضور پررنگ کارگران جوان و عمق استثمار شده گی آنها توسط کارفرمایان بزرگ و کوچک کمپانی های چینی، هنگ کنگی، تایوانی و یا با مالکیت خارجی را نشان می دهد. از پس قدم زدنی در یک ساعتی مرکز شهر در یکی از محله های صنعتی دورافتاده، شرایط خشن و رقت بار کار و زندگی در این ناحیه بر ما نمایان شد. شب اول در راه برگشت به هتل در اتوبوس نزدیک ساعت ۱۱ در میان جمعی از مسافران سه پسر جوان بودند که تازه شیفت کاری ۷ صبح تا ۱۰

از زمان های دور مردم در رویای شهر جوانی بوده اند. شهری که مردمش هرگز پیر نمی شوند و هر که در آن وارد شود برای همیشه جوان می ماند. احتمالاً آنها نمی توانستند این "ناسالخوردگی" را در شهر شنزن در چین تصور کنند. این "شهر لحظه ها" در کنار مرز هنگ کنگ در بیست و پنج سال اخیر از روستای کوچک ماهیگیری تبدیل شده است به کلانشهری وسیع با جمعیتی در حدود ۱۰ میلیون نفر. این شهر به عنوان مهمترین منطقه ی اقتصادی در چین از پس اصلاحات انتهای دهه ی ۷۰ میلادی توسط دنگ شیائوپینگ نمونه ای است از "اصلاحات بازار" و "کشایش به روی جهان". یکی از ویژه گی های مهم این شهر میانگین سنی پایین شهروندان آن است. که برای سال ها نزدیک به ۲۷ سال بوده است. این ویژه گی بطور کلی تضادی را با چین، کشوری که در آن مردم سرعت پیر می شوند، نشان می دهد.

اگرچه ۹۵ درصد آنهایی که در این شهر زندگی می کنند از مناطق دیگر کشور مهاجرت کرده اند، جوانی شنزن حاصل تولید مثل شهروندان آن نیست. بلکه بیانگر سن پایین مهاجران - بسیاری در سنین نوجوانی مهاجرت می کنند - به این شهر و جابجایی سریع کارگران صنایع آن است. تنها یک ۱.۶۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۵ در این شهر از "هوکو" (hukou) حقوق بلندمدت شهروندی، برخوردار بودند. و این در حالی است که ۴.۳۲ میلیون نفر مهاجر بیش از یک سال و بیش از ۴ میلیون نفر مهاجر کمتر از یک سال در آن شهر زندگی می کردند. (شنزن دیلی، ۲۷ می ۲۰۰۷) بیشتر آنها تنها برای مدت چند سال در کارخانه های عموماً صادرات گرا کار می کنند و پس از این مدت یا به دلیل "پیر شدن از کار خارج

ثروت به سرعت گسترش
یابنده ی چین شهرهایی
مستقیمی بر فقر حومه و
ارتش عظیم ذخیره ی
نیروی کار آن بنا شده
است. از ۱.۳ میلیارد نفر
جمعیت چین اکنون حدود
یک دهم مهاجراند. سرمایه
گذاران از سراسر جهان به
چین یورش می آورند تا از
امتیازات آن، از این آبگیر
عمق ناپیدای نیروی کار
استفاده برند.



متوسط در شنزن ۲۳۵۴۴ یوان (معادل ۲۸۴۳ دلار) است. تقریباً دو برابر تمامی شهرهای دیگر با ۱۲۲۱۶ یوان (۱۴۷۵ دلار). شاید میانگین پایین سطح درآمد سالانه روستایی که در سال ۲۰۰۵ در حدود ۲۵۰۰ یوان (۳۰۰ دلار) بود است، مقایسه ی مناسب تری باشد. این فاصله ی درآمدی به همراه شرایط طاقت فرسای کار در مزارع، میلیون ها مهاجر جوان را به کارخانه های شنزن و دیگر مراکز شهری که در قسمت جنوبی و شرقی مناطق ساحلی - که بخش اعظم جریان صادرات چین در آنجا صورت می گیرد - سرازیر می کند.

ثروت به سرعت گسترش یابنده ی چین شهرهایی مستقیمی بر فقر حومه و ارتش عظیم ذخیره ی نیروی کار آن بنا شده است. از ۱.۳ میلیارد نفر جمعیت چین اکنون حدود یک دهم مهاجراند. سرمایه گذاران از سراسر جهان به چین یورش می آورند تا از امتیازات آن، از این آبگیر عمق ناپیدای نیروی کار استفاده برند.

شهر iPod

شرکت های تجاری بزرگ در منطقه ی شنزن اکنون تقریباً شهرهای کاملی در درون خود اند. شهر لانگهوا در منطقه ی بوآن در حومه ی شهر، جایی که ما تحقیق خود را انجام می دادیم، مکان کمپانی اصلی فاکسکان الکترونیک (Foxconn Electronics) است. نام تجاری صنایع هون های پرسیشن تایوان که توسط شرکت تابع خود هونگ فوجین (Hongfujin) در کنار سایر تولیدات خود برای کمپانی های آمریکایی، برای اپل (Apple) آپیاد و برای دل (Dell) مادربرد تولید می کند.

این شرکت تجاری اگرچه از سال ۱۹۹۳ در شنزن مستقر بوده، هم اکنون ۲۴۰۰۰۰ نفر کارگر دارد و در آینده نزدیک قصد دارد تعداد کارگران خود را به ۳۰۰۰۰۰ نفر و در نهایت نیم میلیون نفر برساند. این شرکت بعنوان بزرگترین فعالیت اقتصادی یک شرکت خارجی در چین و همچنین بزرگترین تولیدی تایوانی در منطقه، ۲۰.۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ کالا صادر کرد. مجتمع صنعتی ابرکارخانه لانگهوا در حوزه ی تجهیزات الکترونیکی، بزرگترین فضای کاری را در سطح جهان دارد. و شهرک آن به مایل مربع اندازه گیری می شود که شامل مجتمع های عظیم خطوط تولید و بخش اداری و مناطق مسکونی است.

شب در یکی بزرگترین کارخانه های ناحیه را به پایان رسانده بودند. آن ها گفتند که به رغم ۱۵ ساعت کار روزانه، فقط مزد ۱۰ ساعت به آنها پرداخت می شود که شامل ۲ ساعت اضافه کاری است. اگر یک ساعت غذا را کم کنیم در واقع این کارگران ۴ ساعت "کار مفت" برای کمپانی انجام داده اند. آن ها شکایت می کردند که به کلی از پا درآمده اند اما مجبوراند برای به پایان رساندن کار روزانه ی خود در خط تولید بمانند. آنقدر کم سن و سال بودند که زیاد در میان دیگران به چشم نمی آمدند. سه کارگر دیگر که پس از پایان شیفت کاری خود در ایستگاه منتظر اتوبوس بودند بیشتر از ۱۵ یا ۱۶ سال نداشتند.

ما بسیاری از چین کارگرانی را که در شرایط دشواری بسر می بردند دیدیم و روایت های مشابهی را از آنها شنیدیم. مانند زنی که در رستورانی در میز کناری مان نشسته بود. آن روز از ۷:۳۰ کارش را شروع کرده و تا ساعت ۸ آن شب کار کرده بود. آنها به ما می گفتند که ساعت کار "رسمی" آنها تا ۳:۳۰ بعد از ظهر است اما شیفت بعدی کارکنان بعد از ۷:۳۰ عصر ساعت را می زنند. به این دلیل که اضافه کاری تا بیش از هشت ساعت امری معمول است. مدت زمان معمول شیفت کاری این زنان چیزی نزدیک به ۱۲ ساعت است. دختر ۱۷ ساله ای از ایالت هیونان را ملاقات کردیم که تا آن موقع روز ۱۱ ساعت کار کرده بود. روایت های مشابهی - فقط با تغییراتی جزئی - تقریباً توسط تمامی کارگرانی که در محیط کارخانه با آنها برخورد داشتیم تکرار می شد. بسیاری از این جوانان از عوارضی که بر ذهن و جسم آنها می رود شکایت داشتند.

اساس و بنای رشد سریع ثروت شنزن بر استثمار خشن این کارگران جوان است. حتی برای کشوری که طی سه دهه از میان مهمترین کشورهای برابری طلب در جهان به سرعت تبدیل شد به یکی از نابرابر و دو قطبی ترین آنها. چین مناظری از شرایط کار و زندگی متاثرکننده است. سهم درآمدی شرکت ها در تولید ناخالص ملی ۵۰ درصد، کارگران ۳۰ درصد و دولت ۱۵ درصد است (شکاف کارگر- کارفرمایی وسیع تر از هر منطقه ی دیگری در نواحی شهری چین). شنزن اکنون با آسمان خراش های سربه فلک کشیده و شیشه های سبز آفتاب خورده ی برج سهام، ثروتمندترین شهر چین است. گزارشی در سال ۲۰۰۴ بیان می دارد که درآمد



اگرچه مناطق مرکزی شهر شنزن با نور ثروت نویافته برق می زند، اطراف فاکسکان، در جایی که بلوک از پس بلوک مجتمع های خوابگاهی و آپارتمان های شخصی که در چند سال اخیر برای کارگران ساخته شده اند زشت و زهوار در رفته نمایان اند، خبری از ثروت نیست. در کارخانه ها، در خیابان و رستوران های منطقه آنچه دیده می شود بخوبی بیان می کند که چگونه این ثروت جدید سرمایه داری چین انباشت می شود.

در یکی از خوابگاه های زنان فاکسکان، سرپرست دون پایه ای ما را با محیط اطراف "شهرک کمپانی"، و نظامی که تحت آن صدها هزار کارگر زندگی و کار می کنند آشنا کرد. ۵۰۰۰ کارگر زن در این خوابگاه بسر می برند. و این تنها یکی از ۴۸ خوابگاهی است که برای کارگران زن و مرد در این شهر صنعتی ساخته شده است. این خانه ها بصورت رایگان در اختیار کارگران قرار می گیرد. در هر اتاق ۶ یا ۷ نفر و حتی بیشتر زندگی می کنند. با ۳ ردیف تخت دوطبقه ی تاشو - آنقدر شلوغ و پر سر و صدا که امکان خواب مناسب را از آنها می گیرد. بیشتر کارگران جوانتر در این اتاق ها زندگی می کنند و هر بار که بخواهند از آن خارج یا به آن داخل شوند باید کارت خود را در دستگاه ثبت الکترونیکی بزنند. آنها حق پخت و پز و همچنین پذیرش مهمان چه مرد چه زن، حتا اعضاء خانواده ی خود را ندارند. برعکس سوله های کارخانه، اتاق های خوابگاه تهویه ی مطبوعی ندارند و کارگران برای فرار از گرمای تابستان به سوله ها پناه می برند و ناگزیر اضافه کاری می کنند. پس از اینکه کارگران استخدام می شوند کمپانی به آنها دوره ی آموزشی مختصری می دهد. دوره ای که به قول سرپرستی که با ما صحبت می کرد به "تمرینات نظامی" می ماند. و هدف از این دوره ی آموزشی تطبیق تازه استخدام شدگان با دیسیپلین صنعتی عنوان می شود. زوج هایی که ازدواج کرده اند به همراه فرزندان شان در آپارتمان های اطراف زندگی می کنند.

یکی از کارگران زن به ما می گوید که در روزهای کاری از ۸ صبح تا ۸ شب کار می کند اما مزدی که دریافت می کند معادل ۱۰ ساعت کار است. به این دلیل که ۲ ساعت برای صرف غذا کسر می شود. شیفت های کاری هر ۳ هفته یک بار عوض می شوند و این امر تطبیق با چنین برنامه ی طاقت فرسایی را دشوار می سازد. بیشتر کارگران در کافه تریای کارخانه غذا می خورند. به آنها اجازه داده شده است که برای خارج شوند. اما به ندرت این کار را می کنند چرا که در آن صورت باید برای غذای خود پول پرداخت کنند. دون

مرتب ترین کارگران ماهیانه در حدود ۱۰۰۰ یوآن (۱۲۰ دلار) مزد دریافت می کنند. با احتساب اضافه کار ساعتی حدود ۵۰ سنت بدون احتساب غذا و مسکن رایگان. گروهی از تکنسین های تایوانی که با آنها صحبت کردیم به ما گفتند که ساعت استاندارد روز کاری ۱۰ ساعت است که ۲ ساعت آن اضافه کار است اما اگر شرایط تولید ایجاب کند شنبه ها و یکشنبه ها هر دو شیفت و بدون استراحت باید کار کنند. این تکنسین ها ۱۲ ساعت در روز و ۶ روز در هفته کار می کنند و هر ۳۵ روز یک هفته استراحت دارند و با هزینه ی کمپانی به تایوان پرواز می کنند. همه ی آنها بی که در استخدام فاکسکان هستند از مزایای محدودی هم برخوردارند. اگر کارگری بیمار شود می تواند به کلینک کارخانه مراجعه کند و در حالت وخیم بودن بیماری و مراجعه به بیمارستان کمپانی ۸۰ درصد هزینه ها را متقبل می شود. اگر کارگر زن باردار شود می تواند با حفظ شغل سه ماه مرخصی بگیرد اگرچه اکثر این زنان پس از تولد فرزندشان کار را ترک می کنند.

آنطور که فعالان کارگری ای که با این شهر آشنایی داشتند به ما گفتند، آنانی که در شنزن استخدام می شوند مزایایی هم دارند که توسط قانون پس از ۱۰ سال کار در هر شرکتی قابل اجراست. مزایایی مانند قرارداد های باز بجای قراردادهای با دوره ی ثابت و همچنین برنامه های بازنشستگی. اما در عمل، کارگرانی که در جهت احقاق حقوق بیمه، پزشکی و پرداخت های بیکاری تلاش می کنند معمولاً از کار اخراج می شوند - و برخی خود از کارفرما می خواهند که این حقوق را نادیده بگیرد تا بتوانند به کار خود ادامه دهند. البته در این فرایند، مقامات دولتی با شرکت ها همدست اند و در نتیجه ی دعوا ساخت و پاخت می کنند. آنطور که فعالان کارگری می گفتند، وقتی که برای نخستین بار مقررات ۱۰ ساله اعلام شد، نمایندگان اجباری شهر به کارفرمایان توصیه کردند که با مزدبگیران قراردادهای یک ساله ببندند. به این دلیل که اگر این مزدبگیران کپی های قرارداد خود را نگه ندارند، نمی توانند سابقه ی استخدامی خود را حفظ کنند. در مواقعی برای احتساب کردن از این قوانین ۱۰ ساله، مزدبگیران پس از ۹ سال کار و یا حتا پیش از این دوره از کار اخراج می شوند حتا تکنسین ها و برخی مدیران زمانی که "خیلی هزینه بر شوند" از کار اخراج می شوند.

کارخانه های "خون و عرق"

ما پرسیدیم شهری که قوانین تصویبی خودش را نادیده می گیرد، اصلاً چرا آنها را تصویب می کند. پاسخی که شنیدیم این بود: این یکی دیگر از راه هایی است که مقامات، طبقه ی کارگر را می فریبند. همانطوری که ضرب المثلی چینی می گوید، دولت و کارفرما "هر دو یک شلوار بپا دارند" اما وانمود می کنند که جداگانه عمل می کنند. حتا ممکن است مقامات شهر از طرف صاحب منصبان رسمی، فدراسیون اتحادیه های کارگری و حتا NGO هایی که بطور فزاینده شرایط سخت کارخانه ها را مورد ملاحظه قرار می دهند و به آن اعتراض می کنند، مورد فشار قرار گرفته باشند. اما در منطقه ای که مالکیت ۹۰ درصد کمپانی ها ی آن در اختیار خارجی هاست و پس انداز درآمدهای خارجی عاملی کلیدی در حفظ رشد ۱۰ درصدی سالانه ی اقتصاد است، مقامات محلی برای

خشنود نگه داشتن مالکان خارجی و همچنین حفظ گردش پول، تحت فشاری سنگین قرار دارند. در نتیجه ی آن معمولا در سطح محلی مقررات نادیده گرفته می شوند. اینچنین است که فاکسکان و کمپانی های مشابه آن را **xuehan** یا "کمپانی های عرق و خون" می نامند. معادل "سووت شاپ" **Sweatshop** "بیگاری خانه" {یا "کارگاه استثمار"} در زبان انگلیسی.

اما فاکسکان همچنان برای کار جای بهتری در نظر گرفته می شود؛ چون که نیازمند تحصیلات دوره ی متوسطه، سلامت و بینایی خوب، دانستن مقداری انگلیسی، و مقداری آموزش های تکنیکی است. در کمپانی ای با تکنولوژی بالاتر مانند هووایی تکنولوژی، از شرایط استخدام، داشتن مدرک دانشگاهی است. در آنجا نیز شرایط سخت کاری معمول است. ژو مینگدا اقتصاددان «موسسه ی محلی علوم اجتماعی» به «فرهنگ تشکچه» اشاره می کند. فرهنگی که در آن هر تازه وارد یک تشکچه دریافت می کند که زیر میزکارش می گذارد. مزدبگیران در ساعات غذا و همچنین مواقعی که تا دیروقت کار می کنند یا نمی خواهند به خانه برگردند روی آن می خوابند. درست یک ماه پیش از دیدار مان از شهر، هو ژین یو، مهندس ۲۵ ساله ی نرم افزار و فردی ورزشکار که در هووایی کار می کرد از خستگی مفرط جان داد. نشریات حکومتی در آن مورد گزارش هایی دادند و «همه کس» در اینترنت در آن باره صحبت می کردند و تجربیات مشابهی را به اشتراک می گذاشتند و این سوال پرسیده می شد که آیا ساعات اضافه ی کار او، تقصیرش بر گردن کارفرما و یا کمپانی است. و اینکه آیا اعمال چنین شرایطی برای حفظ رشد سریع کمپانی های چین ضروری است یا نه. واقعیت های مشابهی وجود دارد که تقریبا ناگفته می ماند.

این پدیده که به نام **guolaosi** شناخته می شود، در حال گسترش است و کارگران فکری، متخصصان و مدیران را به همان اندازه که کارگران کف کارخانه، تحت تاثیر قرار می دهد.

اما شرایط کار در این کارخانه های بزرگ تجهیزات الکترونیکی، بطور کلی، نامناسب تر از کارخانه های شنزن است. در بخش غربی شهر، جایی که لباس، اسباب بازی و کالاهای مشابه مصرفی تولید می شود، به دلیل تعداد نسبی بیشتر زنان نسبت به مردان، وضعیت بطور کلی بدتر است. در بنگاه های تولید قطعات الکترونیکی این نسبت تقریبا برابر است و در مواردی اکثریت نیروی کار را مردان تشکیل می دهند. برعکس، تولیدی های لباس و اسباب بازی در تبلیغات خود فقط کارگر زن می خواهند چراکه زنان "زبردستی" بیشتری دارند. در این تولیدی ها نسبت زنان به مردان هفت به یک است. این زنان جوان روستایی که معمولا از روستاهای دورافتاده ی مردسالار می آیند، به نسبت جنس دیگر بیشتر انعطاف پذیرند و به حقوق خود ناآگاه تراند. این زنان پس از استخدام مورد شدیدترین استثمارها قرار می گیرند. از جمله: اضافه کار زیاد و شرایط بد زندگی، آزار و اذیت جنسی و دیسپلین سفت و سخت تری حتی از فاکسکان و کارخانه های مشابه.

اگرچه ممکن است خارج از شرکت های چندملیتی محدودیت های کار کمتر باشند، اما هزینه ی همین "آزادی" نسبی ساعات طولانی تر کار، مزدهای کمتر و امنیت شغلی باز هم پایین تر است. در یک مجتمع کارخانه ای نزدیک هتلی که ما ساکن بودیم، بیش از ۲۰

شرکت کوچک و بزرگ که عمدتا مایملک سرمایه گذاران داخلی اند با محوطه ای پوشیده از چمن محصور شده است - پناه گاه سبز لذت بخشی برای فرار از سترونی محیط پیرامون. برخلاف فاکسکان - که یک نگهبان با لحن تهدید کننده ای به ما هشدار داد که از آن منطقه عکس نگیریم - در اینجا می توانستیم به راحتی قدم بزیم، بچرخیم و آزادانه با مزدبگیران گفتگو کنیم.

کارگران یک چاپخانه که پیش از آغاز شیفت کاری عصر در چمن ها لمیده بودند به ما گفتند که ساعت کاری مشابه با کارگران فاکسکان دارند. دو مرد جوان که از استان هایین می آمدند گفتند که از ۹ شب تا ۸ صبح کار کرده اند با یک ساعتی وقفه برای غذا که آنها را به همان مقدار گشنه و خسته باقی می گذارد. یکی دیگر می گوید که از ۸ صبح تا ظهر کار کرده و پس از یک ساعت وقفه برای غذا از یک تا پنج عصر کار کرده و پس از وقفه ی غذایی دیگری از ۶ تا ۹ شب اضافه کاری کرده است - یک روز کاری ۱۳ ساعته. اما مشخصه ی عمده ی این کارخانه های کوچکتر فقدان روز تعطیل کاری است. اگرچه این کارگران باید ۲۵ روز در ماه در کارخانه باشند، معمولا ۳۰ یا حتی ۳۱ روز مداوم کار می کنند. تعدادی از آنها ماه گذشته ۳۰۰ ساعت کار کرده بودند. و عده ای ۷۰ ساعت در هفته، در روزهای متوالی.

این کارگران در خوابگاهی در مجتمع کارخانه هر دوازده نفر در یک اتاق زندگی می کنند. کافه تریای خوابگاه غذای کارگران را تامین می کند و کارگران پخت و پز نمی کنند. آنها ۲۰ تا ۳۰ یوان در ماه اجاره و مقادیر مختلفی بابت غذا می پردازند. در یکی از اتاق هایی که ما دیدیم "فقط" هفت کارگر زندگی می کردند با تخت های تاشو و حداقل فضای شخصی. آنها معمولا ۸ ساعت در روز کار می کنند - تنها کارگرانی که دیدیم روال اضافه کاری ندارند - اما ۸۰۰ یوان در ماه (۱۰۰ دلار) مزد می گیرند، ۲۰ درصد کمتر از کارگران فاکسکان.

اما هنوز هم می شود گفت که این ها جزو "خوش شانس ها" اند. سه مرد خیلی جوان از استان هایینان به مدت دو ماه در اینجا به دنبال کار سرگردان بودند. جستجوی عموما نومیدانه ی کار معمولا به کارهایی با حداقل مزد های برای زنده ماندن و شرایط بد زندگی منجر می شود. برخی کارخانه ها چیزی به کمی ۵۸۰ یوان در ماه (۷۰ دلار) می پردازند و ۲۰۰ یوان آن را برای غذا و مسکن کم می کنند که سرآخر ۳۸۰ یوان (۴۵ دلار) خالص باقی می ماند؛ خیلی کمتر از آن مقدار که برای زندگی لازم است. این جملات دوبار به گوشمان خورد: "شاید این مزد های ناچیز برای زنان که معمولا چیز زیادی نمی خورند خوب باشد ولی مردان بیشتر می خورند، سیگار می کشند و برای خوردن آب جو به شهر می روند." و کارفرما بر سر چنین رفتارها و باورهایی جولان می دهد.

خارج از سوله های کارخانه

همانند کارگران فاکسکان، کارگرانی که در کارخانه های کوچکتر مجتمع صنعتی کار می کنند هم از زمان کم فراغت شکایت دارند. منطقه کاملا از وسائل تفریح خالی است. همان هایی که تمام روز در کارخانه های تولید محصولات الکترونیکی کار می کنند حتی نمی توانند از محصولاتی که خود تولید می کنند استفاده کنند. از سپیده دم صبح تا پاسی از شب می توان کارگران را در گروه های زیادی



مناطق روستایی است. در ژانویه ی ۲۰۰۶ تجمع اعتراضی ۳۰۰۰ روسپی توسط نیروی پلیس سرکوب شد.

احتراق خودبه خودی

چه داخل و چه خارج سوله های کارخانه حمایت های قانونی از کارگران به شدت محدود است و معمولا با فساد و تبعیض قائل شدن مقامات رسمی زیر پا گذاشته می شود. آنهایی که در کارخانه های کوچک مجتمع های صنعتی کار می کنند از قول مدیران می گفتند که آنها کارگران را "داوطلبانه" و از روی خیرخواهی استخدام کرده اند و اگر کارگران شرایط جاری آنجا را نمی پسندند، می توانند بروند. نارضایتی اصلی این کارگران کاهش دستمزد است. در چین زیادند مهاجرانی که دستمزد شان را دریافت نکرده اند - کارفرمایان میلیارد ها یوان به آنها بدهکارند. تعدادی از این کارگران در اعتراضی نومیدانه خودکشی می کنند - روشی معمول در میان کارگران ساختمانی که خود را از جرثقیل حلق آویز می کنند. کارگر مهاجری حقوق چهارماهه ی خود را از کارفرما مطالبه کرد و از کار اخراج شد. دو هفته بعد با یک چاقو کارفرما را کشت و به مرگ محکوم شد. تکسین جوانی گفت که پولدارها میلیونی می دزدند و به خارج می فرستند در حالی که فقیران چند هزار می دزدند و به سرعت به مرگ محکوم می شوند.

برای کنترل این نوع انتقادات و همچنین جلوگیری از گسترش مخالفت سازمان یافته در میان کارگران، اخیرا در رابطه با حقوق های پرداخت نشده قانون جدیدی وضع شده است. مقامات محلی با این پشتوانه ی قانونی برای بررسی شکایات بطور تصادفی به سوله ها می آیند. و حتا در قسمت هایی از کارخانه بنرهایی نصب می کنند با این جمله بر رویش: "تهادینه کردن و اجرای قانون کار و پرداخت حقوق معوقه." همچنین کارگران می توانند به اداره ی روابط کار مراجعه کنند ولی به دلیل سازش های میان دولت و کارفرمایان توانایی این سازمان در کمک به کارگران محدود است.

بدون اعمال فشار اتحادیه های کارگری چنین تلاش هایی بی نتیجه است. کارگران تنها زمانی به این سازمان ها مراجعه می کنند که شرایط خیلی بد شود. شرکت های بزرگتر شنزن مانند فاکسکان رویه هایی برای شکایت دارند اما اگر در مرحله ای شکایت رد شود

دید که در مغازه های کوچک جلوی تلویزیون، در خیابان های پشتی و یا در پیاده روها دور و بر فروشگاه های بزرگ نشسته اند. و یا گذرگاه های رنگ و رو رفته که بطور اتفاقی قابلیت دسترسی به اینترنت، ویدئو و بازی های کامپیوتری دارند؛ اینها امکانات محدود و ارزان قیمتی هستند که برای صدها هزار کارگر جوان سرگرمی به حساب می آیند. کارگران مرد می گویند که در زمان فراغت تنها کاری که می کنند این است که قدم می زنند و با دوستان کارگر زن خود دیدار می کنند. اما شرایط دشوار کار و زندگی امکان حفظ روابط پایدار را بسیار سخت می گرداند. یک استثنا که ما دیدیم کارگری بود با مزدی سطح پایین که ازدواج کرده بود و فرزند هم داشت. همسر او دو تا سه ساعت خارج از خانه کار می کرد. و کارگر مرد برای رسیدن به محل کار همسرش فقط باید ۱۰ یوان هزینه می کرد. با یکی دیگر که صحبت می کردیم می گفت یک دوست زن دارد ولی برای تهیه مسکن پول ندارد و اینکه تشکیل خانواده بسیار دشوار است. در این شرایط، کارگر مرد سی و چار ساله ای در خوابگاه می گفت که زن و فرزندش در روستا دارد. او تقریبا "مرد پیری" به نظر می آمد که چهره های عموما جوانی احاطه اش کرده اند. او خانواده اش را دو بار در سال می بیند و آنطور که می گفت آوردن خانواده اش به شنزن برایش بسیار گران تمام می شود. اگر فقط بخواهیم هزینه های بالای آموزش را در شنزن محاسبه کنیم شهریه ی ارزان ترین مدرسه ی ابتدایی چیزی حدود هزار یوان در هر ترم تحصیلی می شود که بیشتر از حقوق ماهانه ی اوست.

برای عده ای زندگی در خوابگاه هم غیرقابل دسترس و هم زیادی محدود کننده است. اما همان عده ی کمی هم که از شرایط کار در کارخانه فرار می کنند می توانند "شکوه" پولدار شدن را تجربه کنند. تعدادی از روستاییانی که به شنزن آمده اند توانسته اند در مناطق "خوابگاه های خانوادگی" خانه هایی بسازند و ماهیانه ۸۰۰ تا ۹۰۰ یوان به کارگران کارخانه اجاره دهند و برای خود تبدیل شوند به مالکین پولدار. بقیه کار سیاه در خیابان ها را به گردن نهادن به نظم سوله ها و خوابگاه ها ترجیح می دهند. عده ای دکه های کوچکی دارند که در آنها کتاب، ویدئو و دی وی دی می فروشند - معمولا قاچاقی و کپی شده. بسیاری از این کالاهای فرهنگی حاوی ارزش های جدید بازاریابی "پولدار شدن سریع" و "کشایش به هستی" اند: دستورات عملی های پیشرفت فردی مانند "چگونه در کسب و کار موفق شویم"، داستان های عاشقانه و غیره. تلویزیونی آمریکایی مانند "کدبانوهای بی امید" و "شهر و سکس" دوبله شده به زبان چینی. آنطور که شنیدیم زنان دومی را می پسندند در حالی که مردان بیشتر فیلم های کونگ فو می بینند.

اما برای بسیاری استثمار جنسی در جهانی بشدت مردانه بسیار واقعی است. اطراف نه و ده شب در ورودی بزرگ و رویایی یک سالن ماساژ پا و کمر، شش دختر خیلی جوان از مناطق روستایی یونیفورم پوشیده بعنوان "خوشامدگو" به خط شده اند. امروزه در چین تاسیس چنین بنگاه هایی معمول است. و در حالی که خدمات این بنگاه ها عمدتا قانونی است و شامل ارائه ی موسیقی و رفع خستگی است - بیشتر این خدمات مخصوص مشتریان مرد تدارک دیده شده اند. خدمات دیگر شامل روسپی گری است که امروزه بسیار شایع است. که نتیجه ی جریان مداوم حرکت زنان جوان از

کاری از دست کارگران بر نمی آید.

بدون حمایت های اتحادیه ها، فعالیت های کارگری غالباً خودبخودی است. اعتراضاتی در ابعاد کوچک و ضعیف وجود دارد مانند پایین آوردن تقریباً همه روزه ی سرعت کار، و توقف آن، که معمولاً همراه با اتفاقاتی هم هست که این هم آخرین راه نیروی کار آزرده شده است. در یک مورد، پس از یک درگیری، کارفرما کارت کارگری را از شکل می اندازد و به دنبال این مسئله دو هزار کارگر اعتصاب می کنند. در موردی دیگر که یکی از وسیع ترین موارد است، زمانی که یک کمپانی هنک کنگی تولید لوازم الکترونیکی پس از مدتی طولانی تعویق در پرداخت حقوق، حقوق ها را پایین تر از حداقل قانونی پرداخت می کند، سه هزار کارگر به مدت یک ساعت در شهر ترافیک ایجاد می کنند. در این مورد دولت دخالت کرد و کمپانی را مجبور کرد سطح پرداخت را بالا ببرد - نتیجه ی معمول در این شرایط، از آنجایی که مقامات حل و فصل آرام مسئله را به کشیده شدن کار به آشوب ترجیح می دهند. اعتصابی دیگر به این دلیل بود که کمپانی کارگران را مجبور کرده بود مدت زمان نامحدودی اضافه کاری کنند، یعنی از ۸ صبح تا نیمه های شب، به ازاء هر ساعت اضافه کار فقط ۲ یوان. حدود ۲۱۰۰ نفر از ۳۰۰۰ کارگر بیست و یک خط کارخانه به مدت یک هفته پس از سال نو از رفتن به کارخانه امتناع کردند. سر آخر کمپانی پذیرفت که پرداخت ها را افزایش و ساعت های کار را کاهش دهد ولی کارگران همچنان تا دریافت ضمانت کتبی از رفتن به سر کار سرباز زدند. در آخر کمپانی با کارگران قرارداد های جدید بست اما ۲۱۰۰ کارگر اعتصاب کننده اخراج شدند.

حداقل دست آورد

حتا در زمانی که ما در آن شهر بودیم، تحت فشارهای فزاینده ای که به دولت، سازمان رسمی کار و شرکت ها وارد می شد، شرایط شروع به تغییر کرد. بخشی از این تغییرات نتیجه ی "رای پاهای هر چه افزون تر کارگران" بود. ماه ها پیش از دیدار ما از شهر، گزارش هایی بود مبنی بر جریان معکوس نیروی کار به خارج از مناطق ساحلی، هم به سمت کارخانه های دیگر و هم به سمت روستاها. برخی تغییرات در سیاست های ملی از جمله حذف مالیات های بر زمین، باعث شد تا برخی از سنگین ترین بار های اقتصادی برداشته شود و به این ترتیب کشاورزی کمی زنده تر شود. تعدادی از شرکت های شهرهای ساحلی هم به دنبال نیروی کار به شهرهای میانی نقل مکان می کنند تا در آنجا از امتیازهای نیروی کار ارزان و دیگر مشوق های دولتی استفاده کنند.

شرکت های دیگر بقیه چین را به مقصد ویتنام و دیگر کشورهای همسایه، در "مسابقه ای منطقه ای به سوی پایین" برای به چنگ آوردن نیروی ارزان و شرایط بد کاری، ترک می کنند. با توجه به کسانی که با آنها گفتگو داشتیم، به رغم داستان های زیاد در مورد چگونگی افزایش پرداخت ها در شنزن و دیگر مناطق اصلی صادرات، تاثیرات این مسئله بسیار کم بوده است و بخش بزرگی از آن به دلیل ناتوانی کارخانه ها در جابجایی بوده است.

از آنجایی که کمبود زیاد نیروی کار (مخصوصاً کمبود نیروی کار ماهر) وجود دارد، و همانطور که سیل نیروی کار روستایی به مناطق

شهری - جایی که هر مقدار درآمدی که داشته باشند بیشتر از آنچه یزی ست که در روستا دست می آورند - جاری ست، نباید در کاهش نیروی کار مهاجر به مناطق ساحلی اغراق شود. در فاکسکان همانند دیگر کمپانی عمده ی شنزن، صفوف انبوه جوانان متقاضی کار در اطراف کیوسک های استخدام، منتظر مصاحبه برای کاراند. خیلی ها برای برخی از این مشاغل آموزشی ویژه دیده اند و نیاز دارند که به سرعت کاری بیابند تا بتوانند خرج تحصیل خود کنند. در میان جوانانی که آنجا دیدیم ۲۵ مهاجر خیلی جوان از مناطق روستایی هیونان بودند که تازه از دو مینی بوسی که آنان را به شهر آورده بود پیاده شده بودند. به نظر پانزده یا شانزده ساله و تعدادی حتا جوان تر می رسیدند. از آنجایی که حداقل سن قانونی برای کار ۱۶ سال است آنان اعلام می کنند که "در حدود شانزده سال دارند". پاسخ های آنها هم نامفهوم بود و هم مشکوک - در کشوری که همه گونه کالای قاچاق پیدا می شود سر هم کردن مدارک جعلی اصلاً کار سختی نیست. بیشتر این تازه رسیده گان جوای کار یک چمدان و یا یک کوله پشتی به همراه کالاهای تمیزکننده و وسایل ضروری زندگی روزمره به همراه خود دارند. آنها چیزی در حدود ۱۰۰۰۰ یوان برای دو سال تحصیلات ابتدایی در دبیرستان فنی و حرفه ای پرداخته اند. دروس کامپیوتر، تعمیرات وسایل الکترونیکی، و انگلیسی را در دبیرستان خوانده اند. آنها با دو همراه که برای پیدا کردن کار به آنها کمک می کنند به شهر شنزن می آیند. وقتی از آنها در مورد بودن در شهر خودشان پرسیده شد، یکی از آنها گفته ای قدیمی را بیان کرد: "سفر بر فراز دریاچه ها و کوه ها". همه می گفتند دلشان برای خانه تنگ شده.

حرکت افزایشی مزدها توسط این جویندگان نوی کار و آنهایی که هر روزه به این شهر وارد می شوند، به نسبت محدود می شود. حداقل نرخ مزد قانونی در شنزن توسط دولت تعیین می شود. گرچه تعدادی از کمپانی ها مزد های بالاتری را پیشنهاد می کنند تا بتوانند کارگران را جذب کنند. اما با این وجود فشارهای فزاینده ای بر دولت وجود دارد که در این چند سال اخیر باعث شده حداقل حقوق را افزایش دهد - شنزن در کنار شانگهای در منطقه بالاترین سطح درآمدی را دارد. با این وجود، کمپانی های زیادی راه هایی را برای فرار از اثرات این خواست های فزاینده ی پرداخت های بالاتر پیدا کرده اند. با توجه به قانون جدید حداقل حقوق، فاکسکان در تلاش است مقدار اضافه کار را کاهش دهد. و آنطور که سازمان غیردولتی NGO حقوق کار می گوید "حتا مزایای مربوط به مسکن نیز در خطر است. حدود ۲۰۰۰ مزدبگیر زمانی که فهمیدند از این به بعد برای اتاق های شان هم باید مبلغی پرداخت کنند کارخانه را ترک کردند... درست زمانی که گفته می شد که حداقل مزدها افزایش خواهد یافت."

*آنچه خواندید قسمت اول ترجمه ی گزارش رابرت ویل با مشخصات زیر است:

Robert Weil, City of youth, Shenzhen, China "Monthly Review, 2008, 16:2

رفرنس های داخل متن حذف شده اند. در صورت نیاز خواننده می تواند به متن اصلی مراجعه کند.

